

نقش حضرت خدیجه (ع) در گسترش و پیشرفت اسلام



در میان فضایل انسانی و معنوی حضرت خدیجه(س)، هزینه شدن اموال فراوان او در راه اسلام، از شهرت بیشتری برخوردار است. در این نوشتار، ضمن تبیین نقش حضرت خدیجه(س)، در پیش برد اسلام، با چهره مؤثر آن بانوی بزرگوار و نیز چگونگی کمک‌های مختلف اقتصادی و روانی حضرت خدیجه(ع) به رسول خدا (ص) آشنا می‌شویم.

شناخت شخصیت حضرت خدیجه(ع)

بررسی نقش حضرت خدیجه در پیش برد اسلام، نیازمند شناخت شخصیت و زندگی ایشان می‌باشد.

حضرت خدیجه(س) دختر خویلد بن اسد (ابن حزم، علی بن احمد، جمهره أنساب العرب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق، ص ۱۲۰)، از زنان فداکار و با فضیلت اسلام، نخستین همسر رسول خدا (ص) و مادر فاطمه زهرا (س) است. وی با رسول خدا (ص) خویشاوندی نزدیکی دارد و با سه واسطه در نسب، به قصی بن کلاب می‌رسد که جد چهارم رسول خدا (ص) است. نام مادر حضرت خدیجه، فاطمه دختر زائد، از تیره عامر بن لؤی است. (بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳). نوفل (پدر ورقه)، حزام (پدر حکیم و از اصحاب رسول خدا) و عوام (پدر زبیر)، از اشخاص سرشناس قریش، همگی برادران خدیجه هستند. (ابن حزم، جمهره أنساب العرب، پیشین، ص ۱۲۱، ابن حجر، الاصابة، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیة ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۵)

حضرت خدیجه پانزده سال پیش از عام الفیل، در مکه متولد شد. در دوران جوانی با تجارت و بازرگانی، از نظر مادی جزو ثروتمندترین افراد قریش شد (ابن هشام، السیره النبویة، تحقیق: مصطفی سقا و ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالقلم، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۳) و چون خود را به درجه‌ای از کمال و پاکی رسید که به او لقب «طاهره» دادند. (ابن عبدالبر، الاستیعاب، تحقیق: علی معوض و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۷۹؛ ابن حجر، الاصابة، پیشین، ج ۸، ص ۳۴۷؛ حلبی، ابوالفرج، السیره الحلبیة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۱۹۹) بعد از اسلام نیز به عنوان نخستین «أمّ المؤمنین» در قرآن مورد توجه قرار گرفت.

حضرت ابوطالب(ع) به هنگام خواندن خطبه عقد ازدواج پیامبر و حضرت خدیجه (ع) که حدود ۱۵ سال قبل از بعثت اتفاق افتاد، جناب خدیجه را چنین توصیف کرده است:

«ان خدیجه امراه کامله ميمونه فاضله تخشى العار و تحذر الشنار؛(مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۵۶) همانا خدیجه، بانویی کامل، پرمیمنت و مبارک و زیننده است؛ بانویی که ساحتش از هر ننگ و بدنامی دور بوده، باشخصیت و آبرومند است.»

محمد بن عمر بن واقد، از نفیسه دختر منیه (از زنان هم‌عصر حضرت خدیجه(ع)) نقل می‌کند:

«خدیجه، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی، بانویی خردمند، دوراندیش و والاگهر بود. خداوند متعال برای او خیر و کرامت اراده نمود. خدیجه از نظر نسب، شرف و ثروت، برگزیده‌ترین زن قریش بود. تمام مردان قریش در آرزوی ازدواج با او بودند و برای این منظور، از او خواستگاری کرده و (حتی) حاضر بودند، مهریه‌ای سنگین بپردازند.»(ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ابن حجر، الاصابه، پیشین، ج ۸، ص ۱۰۱)

نخستین همسر رسول خدا (ص)

حضرت خدیجه، نخستین زنی بود که رسول خدا(ص) با او ازدواج کرد؛ (مسعودی، مروج الذهب، قم: موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۸۳). جلد هشتم طبقات الکبری به معرفی زنان صحابه اختصاص دارد. در این بخش از کتاب مزبور، ابن سعد ابتدا شرح حال خدیجه و در ادامه، شرح حال دختران آن حضرت را آورده است. یعقوبی به نقل از عمار بن یاسر درباره خواستگاری رسول خدا (ص) از خدیجه گوید:

« من آگاه‌ترین مردم به ازدواج خدیجه با رسول خدا(ص) هستم؛ زیرا من دوست پیامبر بودم. روزی من و پیامبر(ص) میان صفا و مروه راه می‌رفتیم. در راه به خدیجه دختر خویلد و خواهرش هاله برخوردیم. هاله پیش من آمده، گفت: ای عمار، آیا دوست تو علاقه‌ای به خدیجه دارد؟ گفتم: به خدا سوگند نمی‌دانم! خود را به پیامبر که از من دور شده بود، رساندم و سخنان هاله را به او بازگفتم. فرمود: « بازگرد و با او روزی را برای خواستگاری قرار بگذار. » من چنان کردم. چون آن روز فرارسید، خدیجه پدرش مرده بود. پس، به سراغ عمویش عمرو بن اسد فرستاد. محمد (ص) نیز به همراه چند تن از عموهایش که ابوطالب پیشاپیش آنان حرکت می‌کرد، آمدند. ابوطالب در جلسه خواستگاری ضمن ستایش خداوند متعال و معرفی خاندان خود، گفت: همانا برادرزاده من، محمد بن عبدالله با مردی از قریش سنجیده نمی‌شود؛ مگر آنکه بر وی برتری می‌یابد و با کسی مقایسه نمی‌گردد؛ مگر آنکه از او بزرگتر است. و اگر به مال اندک است، مال، روزی دگرگون شونده و سایه‌رونده است. او به خدیجه مایل، و خدیجه نیز به او علاقه‌مند است و کابینی که از او می‌خواهید، از مال من پرداخت خواهد شد. سپس مهریه ایشان را دوازده اوقیه (چهل درهم) قرار داد.»(ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۴)

رسول خدا(ص) از سن ۲۵ تا ۵۰ سالگی، یعنی قریب ۲۵ سال از عمرش را که تمام دوران جوانی آن حضرت بود، با خدیجه گذراند و تا خدیجه زنده بود، با زن دیگری ازدواج نکرد. بعد از درگذشت آن بانوی مکرمه نیز همیشه از او یاد می‌کرد و او را بهترین همسرش می‌دانست.

در منابع تاریخی فرزندان برای رسول خدا(ص) از حضرت خدیجه ذکر شده است که همگی آنان قبل از اسلام درگذشتند. همان، ج ۱، ص ۱۰۶؛ یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، ج ۲، ص ۳۲؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، پیشین، ج ۴، ص ۳۷۹) فاطمه زهرا(س)، تنها یادگار باقی‌مانده از رسول خدا (ص) و خدیجه بود که خداوند متعال امامت را در نسل او قرارداد.

تأثیر مسلمانی خدیجه در گسترش اسلام

ابتدای بعثت رسول خدا(ص) و در مدت سه سال دعوت پنهانی آن حضرت، تنها چند نفر از خاندان ایشان مسلمان شدند. در میان مردان، نخستین شخص، حضرت علی(ع) و از بین زنان، خدیجه بود. (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۷۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۵)

بر اساس شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه عصر جاهلی، اسلام حضرت خدیجه می‌توانست، توان تبلیغی رسول خدا(ص) را بالا برده و راهکاری مناسب برای برون‌رفت از مشکلاتی باشد که اسلام نیاوردن برخی نزدیکان پیامبر(ص) برای آن حضرت بوجود آورد.

کیفیت حضور خدیجه در نماز همراه رسول خدا (ص) علاوه بر آن که مایه خوشحالی و آرامش خاطر پیامبر (ص) ۹ بود، زمینه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام در بین زنان را نیز فراهم ساخت. عقیف کندی در چگونگی این حضور گوید:

«من مرد تاجری بودم و در یکی از روزها با عباس بن عبدالمطلب که به تجارت اشتغال داشت، به قصد خرید و فروش وارد گفتم و گو شدم. ناگهان مردی از گوشه در وارد شد و در مقابل کعبه ایستاد و به نماز مشغول شد. پس از او، زنی و بعد، جوانی آمدند و با او به نماز مشغول گردیدند. از عباس درباره این دین پرسیدم؟ عباس گفت: این محمد بن عبدالله است که گمان می‌کند رسول خداوند است و به همین زودی‌ها، گنج‌های کسری و قیصر به روی او گشوده می‌گردد! او نیز خدیجه دختر خویلد، همسر او است که به وی ایمان آورده و آن جوان هم پسرعمویش علی بن ابی طالب است که به او گرویده است.» عقیف گوید: «کاش من آن روز به او ایمان آورده بودم و از وی پیروی می‌کردم!» (بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دارالکر، ۱۴۰۱ق، ج ۷، ص ۷۴).

جایگاه خدیجه نزد رسول خدا (ص)

در روایت رسول خدا (ص)، خدیجه از زنان بهشتی و از بهترین زنان و در کنار حضرت مریم بن عمران، و آسیه که قرآن کریم به بهشتی بودن آنان بشارت داده، یاد شده است. (بخاری، صحیح بخاری، پیشین، ج ۴، ص ۲۷۸؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیة، ج ۱۱، ص ۲۶۶). در ثنای او همین بس که رسول خدا(ص) فرمود: «سوگند به خدا که حق تعالی بهتر از او به من نداد. وی ایمان آورد؛ در حالی مردم کافر بودند. مرا تصدیق کرد؛ زمانی که مردم مرا تکذیب کردند. مرا با اموالش همراهی کرد. خداوند مرا از او به فرزندانی روزی داد؛ هنگامی که مرا از فرزندان زنان دیگر محروم کرد.» (طبری، محب الدین، الریاض النضره، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۱۰۹)

در روایتی دیگر، چنین آمده است که: «ان جبرئیل اتی رسول الله (ص) فقال: اقرا خدیجه السلام من ربها، فقال رسول الله(ص): یا خدیجه! هذا جبرئیل یقرئک السلام من ربک، فقالت خدیجه: الله السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام؛ (ابن حجر، الاصابه، پیشین، ج ۸، ص ۱۰۲) جبرئیل نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: از طرف خدای بلندمرتبه به خدیجه سلام می‌رسانم. آن حضرت فرمود: ای خدیجه! این جبرئیل است که از طرف خداوند به شما سلام می‌رساند. خدیجه فرمود: خداوند متعال، خود سلام است. سلام، از اوست و بر جبرئیل نیز سلام باد.»

در روایات بسیاری حضرت خدیجه از زبان رسول خدا(ص) مدح شده است؛ چنان که روایت شده پیامبر فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: خدیجه را به خانه‌ای مرصع به یاقوت و زبرجد (در بهشت) مژده ده که نه صدایی در آن است و نه بیماری و سختی.» ابن قانع، معجم الصحابه، تحقیق: صلاح بن سالم مصراتی، مدینه منوره: مکتبه الغریب الاثریة، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ طبرانی، المعجم الکبیر، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۸) علاوه بر مدح شخص حضرت خدیجه، از خانه وی، پس از مسجدالحرام، به عنوان برترین خانه‌های مکه یاد شده است و این فضیلت خانه خدیجه از آن رو می‌باشد که آیات بسیاری از قرآن کریم در این خانه بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد و فرزندان خدیجه در این خانه به دنیا آمده‌اند. (سندی، رحمت‌الله، لباب المناسک و عباب المسالک، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد، بیروت: دار قرطبه، ۱۴۲۱ق، ص ۲۹۴-۲۹۷)

علاوه بر رسول خدا(ص) اهل بیت آن حضرت نیز همواره افتخار می کردند که مادرشان خدیجه است. امام حسین(ع) در مقابل لشکر ابن زیاد در خطابه ای فرمود: «هل تعلمون ان جدتی خدیجه بنت خویلد...»؛ (قتال النیشابوری، روضة الواعظین، تحقیق: سیدحسن الخراسان، قم: منشورات الرضی، ج ۱، ص ۴۲۱) آیا می دانید که مادر بزرگ من، خدیجه دختر خویلد است...». در بین زنان رسول خدا(ص)، این افتخار نصیب حضرت خدیجه شد که نسل پیامبر(ص) از طریق او باقی بماند و یازده امام معصوم از نسل او و از طریق فاطمه (س) به وجود بیاید.

خدیجه، یار همیشه همراه

خدیجه، زنی نمونه در تمام مراحل زندگانی پیامبر اکرم(ص)، به ویژه در مراحل دعوت آن حضرت بود. او، همسری همراه، مهربان و دل سوز برای آن حضرت به شمار می رفت. سال ها پیش از بعثت، هنگامی که محمد(ص) طبق عادت هرساله برای مدتی برای عبادت به کوه حرا می رفت تا خود را آماده دریافت وحی نماید، حضرت خدیجه ضمن همدلی با او، پیوسته او را پشتیبانی می کرد. گاه با بردن توشه غذا برای آن حضرت، در پایین کوه حرا ایشان را ملاقات می کرد و همچنین هنگامی که آن حضرت در غار حرا به نبوت برگزیده شد و نخستین وحی الهی را دریافت کرد، وی اولین زنی بود که آن حضرت را تصدیق کرد و همه ثروت و دارایی خویش را در راه دعوت رسول خدا(ص) ایثار کرد. (بلاذری، انساب الاشراف، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۶). او در سال های نخست بعثت، یار و غمخوار پیامبر(ص) بود. هنگامی که مشرکان مکه بر تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی هاشم، هم پیمان شدند و آنان را در شعب ابی طالب محصور کردند و از هرگونه ارتباط آن ها با قبایل دیگر ممانعت می ورزیدند، حضرت خدیجه با فرستادن نمایندگان از طرف خود، سعی در متقاعد کردن ابوجهل داشت تا مانع ورود مواد غذایی به شعب ابوطالب نشود. وقتی از کار خویش نتیجه نگرفت، با کمک برادرزاده اش، حکیم بن حزام، برای شعب آذوقه تهیه کرد. (ابن هشام، السیره النبویه، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۲)

حضرت خدیجه در تمام مدت دوران بعثت، به ویژه در دوران سه سال محصور شدن بنی هاشم در شعب ابی طالب، اموالش را در راه حفظ و ماندگاری اسلام انفاق کرد (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۳۱) و در همه سختی ها و رنج ها، همراه پیامبر(ص) بود. همین همراهی و همدلی خدیجه(س) مایه آرامش پیامبر(ص) در برابر آزارهای مشرکان بود. علاوه بر خدیجه(س) خواهرش امیمه نیز به تاسی از او، رسول خدا(ص) را همراهی نمود و در مواردی نیز از زنان برای رسول خدا(ص) بیعت گرفت. (ر. ک: رازی، ابوالفتوح، روض الجنان، به کوشش: محمدجعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۹، ص ۱۷۱).

ثروت خدیجه(س) و پیشرفت اسلام

خدیجه(س) قبل از این که با رسول خدا(ص) ازدواج کند، از ثروتمندترین زنان جزیره العرب بود. بخش مهم ثروت او، از طریق تجارت به دست آمده بود به نظر می رسد، دست کم بخشی از ثروت حضرت خدیجه(س) از طریق پدرش به وی به ارث رسیده باشد حضرت خدیجه(س) اموالش را به مضاربه به مردان امینی می سپرد تا به سفرهای تجارتهای بروند و بعد از بازگشت، سود حاصله را برابر قانون مضاربه تقسیم کنند از این رو، با شناختی که قبل از بعثت از درایت، راست گویی، امانت داری و اخلاق نیکوی رسول خدا(ص) داشت از او خواست تا به همراه غلامش میسر، برای تجارت به شام برود. (ابن کثیر، ابوالفداء، حافظ، البدایة و النهایة، بیروت: دارالکفر، ۱۳۹۸ ق، ج ۲، ص ۲۹۴).

رسول خدا(ص) با پذیرفتن پیشنهاد خدیجه(س) کاروان را تا شام همراهی کرد و با داد و ستدهای خود، کاروان را از سود سرشای بهره مند ساخت. خدیجه(س) نیز آنچه را که وعده کرده بود، به آن حضرت پرداخت. (ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۳).

راز موفقیت خدیجه(س) در تجارت، به کارگیری مردان امین و با درایت بود درباره مقدار دقیق اموال این بانوی بزرگوار به هنگام ظهور اسلام، سندی در دست نیست؛ ولی از آنجا که قریش تشکیلات اقتصادی کارآمدی داشت و تجارت نقش اصلی را در اقتصاد آنان ایفا می کرد، می توان

تخمین زد که ثروت بازرگانی خدیجه (س) در منطقه حجاز، نقش موثر و پراهمیتی را برای معرفی و پیشبرد اسلام ایفا کرده و در جاهای مختلف، غبار غم از چهره مبارک رسول خدا(ص) زدوده است.

حضرت خدیجه به جهت انفاق اموال خود، مصداق کامل و بارز آیه شریفه ۲۶۲ سوره بقره(الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) است که می‌فرماید: آنان دارایی‌های خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند. آنگاه از پی آنچه انفاق نموده‌اند، نه منتی می‌گذارند و نه آزاری می‌رسانند (اینان) پاداش‌شان نزد پروردگارشان محفوظ است و آنان نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.

آری، آن حضرت بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، همه اموال خویش را در راه اقامه توحید در جامعه شرک‌آلود جهان عصر بعثت، در اختیار آخرین فرستاده الهی گذاشت. رسول خدا(ص) فرمود: ما نفعنی مال قط مثل ما نفعنی مال خدیجه؛(صدوق، محمد بن علی، امالی، قم: موسسه البعثه، ۱۴۱۷ ق، ص ۴۶۸) هرگز هیچ ثروتی همانند ثروت خدیجه، به من سود نبخشید.

اموال خدیجه(س) به قدری زیاد بود که ظاهراً تا هجرت رسول خدا(ص) به مدینه، توسط آن حضرت صرف تقویت اسلام شد رسول خدا(ص) در واپسین روزهای خود در مکه، به حضرت علی(ع) دستور داد به کمک اموال باقی مانده خدیجه(س) برای هجرت خود و فواطم (فاطمه بنت اسد، فاطمه بنت محمد و فاطمه بنت زبیر بن عبدالمطلب) و کسانی از بنی‌هاشم که همراه او هجرت کنند، چند عدد شتر بخرد ابوعبیده گوید: به عبدالله بن ابی‌رافع، گفتند آیا رسول خدا(ص) چیزی داشت که این‌گونه خرج کند؟ گفت: من از پدرم درباره همین موضوع پرسیدم. گفت: مگر از ثروت خدیجه(س) خبر نداری؟ رسول خدا(ص) فرمود: هیچ مالی به اندازه ثروت خدیجه(س) مرا نفع نداد تا زمانی که رسول خدا(ص) در مکه بود، با مال خدیجه(س) بدهکار و اسیر را آزاد و از ناتوان دست‌گیری می‌کرد و به نیازمندان می‌بخشید و فقرای اصحاب خود را مهمان می‌کرد و هزینه آنان را که می‌خواستند هجرت کنند، می‌پرداخت. خدیجه(س) علاوه بر وقف اموال خود، بهترین یار صمیمی او در خانه و در برابر فشارهای روانی قریش بر رسول خدا(ص) بود.(مجلسی، بحارالانوار، پیشین، ج ۱۹، ص ۶۳)

بدین ترتیب، ثروت خدیجه(س) در راه گسترش اسلام نقش موثری را ایفا کرد؛ به ویژه زمانی که قریش با به کارگیری همه توان خود، از حربه اقتصاد نیز غافل نماند و با ایجاد تنگناهای مالی، مدت سه سال پیامبر(ص) و یارانش را محاصره کامل اقتصادی قرار داد در چنین شرایطی، اموال خدیجه توانست در راه پیشرفت و تقویت اسلام بخش مهمی از توطئه‌های اقتصادی قریش را خنثی نماید و کمک شایسته‌ای به مسلمانان در این زمینه باشد.

حضرت خدیجه(س) علاوه بر کمک به اهداف دعوت پیامبر(ص) به عواطف آن حضرت نیز همواره پاسخ مثبت می‌داد؛ چنان که وقتی حلیه سعیدیه، دایه رسول خدا(ص) نزد آن حضرت آمد و حلیمه از خشک‌سالی و هلاکت چهارپایش شکایت کرد، رسول خدا(ص) با خدیجه(س) در این باره سخن گفت و آن حضرت، چهل گوسفند و یک شتر بارکش به او داد و با نیکی او را به خانواده‌اش باز گرداند.(بلاذری، انساب الاشراف، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۵)

ثویبه، دایه دیگر رسول اکرم(ص) نیز با این که چند روزی بیشتر آن حضرت را شیر نداده بود علاوه بر رسول خدا(ص) مورد تقدیر حضرت خدیجه(س) بود و از عنایات او بی‌بهره نماند حضرت خدیجه ضمن نیکی به او، از ابولهب عمومی آن حضرت خواست ثویبه را به او بفروشد تا آزادش کند؛ ولی ابولهب پیشنهاد خدیجه را نپذیرفت و از فروختن وی سرباز زد.(همان، ص ۱۰۶)

نمونه دیگر، خریدن زیدبن حارثه و بخشیدن آن به رسول خدا(ص) است هنگامی که رسول اکرم(ص) در بازار نوجوان زیبارویی را دید که از عقل و ادب برخوردار بود، فرمود: اگر نزد من مالی بود او را خریداری می‌کردم (ابن عساکر، علی بن الحسین، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰، ص ۱۳۷) حضرت خدیجه به محض شنیدن سخن آن حضرت، زید را به هفتصد درهم خرید و آن

را به رسول (ص) اهدا کرد (ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابۀ، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، (ص) ۳۵۱) و آن حضرت نیز زید را پذیرفت و سپس او را آزاد کرد.

ایثار حضرت خدیجه (س) در صرف اموال خود برای پیشبرد دعوت الهی پیامبر (ص) سرمش زنان مسلمان گشت و آنان در مقاطع مختلف دوران هجرت، با اهدای اموال و زیورآلات خویش، بنیه‌های اقتصادی دولت تازه تاسیس مدینه را تقویت کردند و آن را از تنگناهای مالی نجات دادند و با ایثارگری خود، در حل مشکلات اقتصادی مدینه قدم برداشتند از نمونه‌های بارز این تاسی به حضرت خدیجه (س) فداکاری «رمله» دختر حارث بن ثعلبه است که خانه وسیع و نزدیک به مسجد خودش را در اختیار رسول خدا (ص) گذاشت و آن منزل به جهت موقعیت مناسبی که داشت، مورد استفاده‌های متفاوتی مانند مهمان‌سرای حکومتی و محل ملاقات حضرت با روسای قبایل قرار گرفت (ابن اثیر، اسد الغابۀ، پیشین، ج ۶، ص ۱۱۵)

نقش عاطفی خدیجه (س)

ایثار اموال، کمک حضرت خدیجه (س) به رسول خدا (ص) نبود؛ چه این که ایجاد زمینه‌های مناسب برای تبلیغ آن حضرت و موضع‌گیری‌های شایسته او در موقعیت‌های مختلف نیز کمک شایانی به پیامبر (ص) می‌نمود البته باید به این نکته توجه داشت که ملاک انتخاب شدن خدیجه (س) از طرف پیامبر (ص) به عنوان همسر، نه ثروت او و نه قبیله و تبارش بود، بلکه پاکی و صداقت خدیجه و ایمان و عشق او به پیامبر (ص) و راهی که در پیش گرفت بود، از هر چیزی در نزد خدا (ص) با ارزش‌تر بود.

از طرف دیگر، حضرت خدیجه (ص) هرگز از رنج‌ها و گرفتاری‌های راه رسالت، شکایتی نکرد و موجب تضعیف روحیه همسرش نشد و این همراهی و همدلی، از کمک‌های مالی خدیجه (س) نیز بالاتر بود.

آری، حضرت خدیجه (س) قدر و ارزش رسول خدا (ص) را به نیکویی شناخت و با تمام وجود با آن حضرت پیوند خورد و تمام ایثار و احسان او نیز از همین بینش مایه می‌گرفت از این رو، پیوسته در جهت یاری آن حضرت می‌جوشد و هرگز رنج‌ها و سختی‌ها، عامل سستی و روی گردانی او نشد و در راستای رشد و توسعه اسلام، بیشترین کمک عاطفی و روحی را به رسول اکرم (ص) نمود.

تکریم حضرت خدیجه

زمان درگذشت حضرت خدیجه (س) را به اختلاف، سه تا سی و پنج روز پس از درگذشت ابوطالب (ع)، در دهم رمضان سال دهم بعثت، یعنی سه سال پیش از هجرت (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۳۵) و در سن ۶۵ سالگی دانسته‌اند (ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۴) بدن مطهر آن حضرت در قبرستان حجون دفن شد رسول خدا (ص) از این مصیبت سخت محزون گشت و آن سال را به جهت از دست دادن دو یار باوفای خویش، سال حزن و اندوه نامید (همان، ج ۲، ص ۳۵؛ تقی الدین، امتاع الاسماع، به کوشش: محمد عبدالحمید، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۴۵) رسول (ص) با ردایی که پیوسته دست و صورت خود را با آن پاک می‌کرد و به هنگام نزول وحی بر سر می‌کشید، حضرت خدیجه (س) را کفن کرد و با دست خویش درون قبر نهاد.

خدیجه (س) همسر مهربان و با وفا و یاور صمیمی پیامبر (ص) بود، تاریخ جهان، زنی همانند خدیجه (س) که این‌گونه در راه خدا و رسیدن به اهداف مقدس شوهرش خدمت‌گذار باشد به خود ندیده است (میرشریفی، سید علی، پیام‌آور رحمت، تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش، ص ۵۵) از این رو آن حضرت پیوسته در تمام طول زندگانی خود، هنگامی که نام خدیجه به میان می‌آمد خاطره آن بانوی فداکار را به بزرگی یاد می‌نمود و برایش استغفار می‌کرد؛ تا جایی که دوستان حضرت خدیجه را تکریم می‌نمود (بلاذری، انساب الاشراف، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۹) و با فرستادن هدیه برای آنان، یاد آن بانو را در خاطرها زنده نگاه می‌داشت (بخاری، صحیح بخاری، پیشین، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن حیان، صحیح بن حیان

بترتیب ابن بلبان، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۶۷) حتی حسادت برخی از همسران رسول(ص) به حضرت خدیجه(س) نیز مانع نمی شد تا آن حضرت دست از تحسین خدیجه بردارد.

شهید مطهری نمونه عالی نقش موثر زنان در تمدن اسلام را به حضرت خدیجه(س) مثال زده و چنین می نویسد:

«هنگام مبعث، چهره بانویی را مشاهده می کنیم که در آن وقت، سخت مایه تسلی خاطر پیامبر(ص) بوده است و در نهایت صمیمیت، تمام هستی خود را نثار اسلام کرده است. این بانو، «خدیجه» محترمه است که پانزده سال از حضرت محمد(ص) بزرگ تر بوده و وقتی از دنیا رفت، تقریباً ۶۵ ساله بود؛ اما رسول خدا تا پایان عمر او را فراموش نمی کرد و نامش که برده می شد، گاهی اشک در چشمش حلقه می زد و می گفت: نمی دانید از وقتی که مرا تنها گذاشته بودند، این زن چه فداکاری ها کرد» (ر. ک: مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، ج ۱۷، ص ۴۰۴)

التماس دعا

حوزه پژوهش دانشگاه فنی و حرفه ای استان کرمان